

**A Persian translation of a letter written on behalf of the Universal House of Justice  
dated 15 September 2013 to an individual believer]**

ترجمه‌ای از  
نامه دارالانشاء بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاً  
(از هیئت ترجمه به زبان فارسی)

۱۵ سپتامبر ۲۰۱۳

ارسال از طریق الکترونیکی

جناب آقای ...

ایالات متّحده آمریکا

دوست عزیز روحانی،

نامه‌های الکترونیکی مورّخ ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ و ۱۵ ژانویه ۲۰۱۲ ارسالی آن یارگرامی به دایره مطالعه نصوص و الواح حاوی سؤالاتی در باره دیدگاه دیانت بهائی در مورد گفتمان علمی و مسائل روحانی از قبیل وجود روح و همچنین بیانات حضرت عبدالبهاء در رابطه با مباحث علمی واصل و به بیت العدل اعظم ارجاع گشت. معهد اعلی مقرر فرمودند به قرار ذیل مرقوم گردد. تأخیر طولانی در ارسال جواب، ناشی از تراکم کار در مرکز جهانی بهائی، موجب نهایت تأسّف است.

زمینه توافقی مشترک دانشگاهیان امروز در ارتباط با تمام جنبه‌های رفتار انسانی به طور کلی زمینه‌ای مادی‌گرا است. در این خصوص حائز اهمیت است که فرق بین کشفیات علمی و تعبیرات فلسفی ماده‌گرایانه‌ای که معمولاً از آنها می‌شود را در نظر داشته باشیم. اگرچه برخی از افراد با آگاهی از دیدگاه‌های علمی خاص در زمینه تکامل یا عصب‌شناسی تأکید می‌کنند که خدایی نیست و روح وجود ندارد، چنین ادّعایی بدین معنا نیست که بتوان گفت علم ثابت کرده است که خدا و روح وجود ندارد. همانطور که شما، چه از اهل علم و یا فلاسفه مؤلفانی یافته‌اید که نتیجه‌گیری‌های مادی داشته‌اند اما عده بسیاری نیز هستند که احساس می‌کنند چنین نتیجه‌گیری‌هایی غیر قابل توجیه می‌باشد و دیدگاه مادی‌گرای متداول کنونی قادر بر این نیست که حتی وجود حسّ آگاهی انسانی را به نحو رضایت‌بخشی ثابت نماید. بنا بر این، برخی از مفاهیم مهمی که حضرت عبدالبهاء مطرح فرموده‌اند مثل اینکه ذهن انسان از طریق قوای والاترش قادر است از عالم طبیعت فراتر رود، و یا اینکه

پیدایش این قابلیتِ ذهنی در عالم امکانِ واقعیّتی است ارادی نه تصادفی، مواضع تحقیقات و مطالعات فلسفی و الهیاتی هستند که از طریق علم حلّ نشده‌اند و شاید هم هرگز تنها از این راه حلّ نخواهند شد.

مسیری که برخی از پیروان ادیان در پیش می‌گیرند این است که اندیشیدن خویش را به دو بخش کاملاً مجزاً تقسیم کنند: دین‌شان و علم‌شان. ولی فرد بهائی به توافقی که باید بین علم و دین وجود داشته باشد ایمان راسخ دارد و باید در برابر هرگونه وسوسهٔ دوگانه‌اندیشی و یا تسلیم در برابر نتیجه‌گیری‌های مادی رایج مقاومت نماید. در عین حال، حضرت عبدالبهاء تأکید فرموده‌اند که باورهای دینی باید با علم مطابقت داشته باشند. اگر یک فرد بهائی شخصاً به این نتیجه برسد که آنچه را که حضرت عبدالبهاء در بارهٔ موضوعی بیان فرموده‌اند باید نادیده بگیرد زیرا بیان مبارک با علم در تضاد است، این شخص با اطمینان به اینکه حضرت عبدالبهاء هرگز بر یک عقیدهٔ دینی که با علم در تضاد باشد تأکید نمی‌نمایند، بدون شک خواهد خواست که موضوع را مجدداً بررسی کند و به جستجوی راه دیگری برای درک بهتر آن پردازد.

موضوع دیگری هم که باید در نظر گرفته شود بستری است که در آن یک نظر خاص ارائه می‌شود. مثالی در این زمینه بیان حضرت عبدالبهاء در مورد مادهٔ اثیریّه در فصل شانزدهم کتاب مفاوضات است که آن حضرت فرق بین اشیایی که "محسوسه" هستند و آنها را "حقایق محسوسه" نام برده‌اند، و "حقایق معقوله" که "صورت خارجیّه ندارد و مکان ندارد" و "غیر محسوسه" است را به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهند. آن حضرت در اینجا از مفهوم مادهٔ اثیریّه استفاده می‌فرمایند تا روشن نمایند که جمیع حقایق محسوس نیستند. از این مثال، می‌توان درک کرد که حضرت عبدالبهاء از مفهومی رایج در بین دانشمندان آن زمان استفاده می‌کنند تا نکته‌ای را در مورد قابلیت انسان بیان نمایند و نباید چنین نتیجه‌گیری کرد که آن حضرت بر یک دیدگاه علمی خاص و یا برواقعیّتی در مورد ماهیّت فیزیکی جهان تأکید می‌نمایند.

برخی از عبارات در آثار بهائی مربوط به واقعیت فیزیکی و یا تاریخ، حقایق خاصی را تصریح می‌نمایند در حالی که برخی دیگر مسائل را به شیوه‌ای مطابق با اعتقادات مردم در یک زمان خاص مورد بحث قرار می‌دهند. بنا بر این خواننده باید معانی بیاناتی را که واضح نیستند با به کار بردن اصول تفسیری روشن موجود در تعالیم بهائی مشخص نماید. در حالی که در چنین مطالبی غالباً امکان انواع تعبیر شخصی وجود دارد و در مواردی همیشه درجه‌ای از ابهام وجود خواهد داشت، معمولاً یک تفاهم مشترک به وجود می‌آید که به مرور زمان با شواهد بیشتری تغییر خواهد کرد. نباید اجازه داد که تفاوت نظرهای شخصی در بارهٔ معانی نصوص مبارکه باعث اختلاف و مشاجره در بین دوستان گردد.

مقاله‌ای در ویکی‌پدیا که یک فرد بهائی آن را ذکر نموده و شما به آن اشاره کرده‌اید تنها یکی از این چنین نگرش‌ها بر توضیحات حضرت عبدالبهاء در مورد تکامل و طبیعت انسان است. چندین مقالهٔ دیگر نیز به قلم بهائیان وجود دارد که با دید بسیار متفاوتی بر این بیانات می‌نگرند، از جمله:

“Religion and Evolution Reconciled: ‘Abdu’l-Bahá’s Comments on Evolution” by Courosh Mehanian and Stephen R. Friberg, published in *The Journal of Bahá’í Studies*, volume 13, number 1/4, March–December 2003, pages 55–93, and accessible online at <http://www.bahai-studies.ca/journal/files/jbs/13.14%20Mehanian%20&%20Friberg.pdf>; “Crossing the Divide between Science and Religion: A View on Evolution” by Stephen Phelps, available at [http://www.onecountry.org/e193/e19302as\\_Perspective\\_Evolution.html](http://www.onecountry.org/e193/e19302as_Perspective_Evolution.html); and “Evolution and Bahá’í Belief” by Keven Brown, published in *Evolution and Bahá’í Belief: Studies in the Bábí and Bahá’í Religions*, volume 12, pages 5–133, which may be accessed at [http://www.bahai-library.com/brown\\_forward\\_article\\_evolution](http://www.bahai-library.com/brown_forward_article_evolution).

به منظور کمک بیشتر به بررسی شما در این مطالب، منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و بیت العدل اعظم برای مطالعه شما به پیوست ارسال می‌گردد. همچنین مقالاتی در مورد علم و دین و در اثبات وجود خدا توسط متصاعد الی الله جناب ویلیام هچر (William S. Hatcher) نگارش یافته و در سایت <http://william.hatcher.org> موجود است که احتمالاً می‌تواند برای شما جالب باشد.

امید است که این نامه و ضمیمه آن در روشن نمودن مطالبی را که مطرح نموده بودید به شما کمک کند. در صورتی که سؤالات بیشتری داشته باشید توصیه می‌شود که با احبای مطلع مشورت فرمایید.

با تقدیم تحیات  
دارالانشاء بیت العدل اعظم

ضمیمه دارد